

چرایی و فلسفه تشریح حکم قصاص در قرآن و منابع تفسیری معاصر

فاطمه اسدی^۱

چکیده

در نظام کیفری اسلام، جهت حفظ و حراست از کرامت انسان و حیات اجتماعی آن، راهکارهای اساسی و بنیادین بررسی و سنجش شده، و قصاص به عنوان یکی از موثرترین عوامل بازدارنده، که هم عدالت اجتماعی و هم تامین حیات شایسته، در گرو آن نهفته است، تشریح گردیده است. هدف از این پژوهش، چرایی و فلسفه تشریح حکم قصاص در قرآن و منابع تفسیری معاصر است. در همین راستا در این مقاله، اهداف و غایات تشریح حکم قصاص در آیات قرآن و همچنین منابع تفسیری معاصر مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که هدف و فلسفه قصاص از دیدگاه قرآن رفع فساد و پاک شدن جامعه از آلودگی هایی است که حیات و زندگی اجتماعی را تهدید می کند؛ همچون غده ای سرطانی که باید با عمل جراحی آن را از بدن خارج کرد. بنابراین به جهت دفاع از حق حیات و سلامت و امنیت افراد جامعه انسانی، اسلام قصاص را مقرر کرده است. در این پژوهش روش تحقیق، به صورت توصیفی، تحلیلی و کتابخانه ای گردآوری شده است.

کلیدواژه: چرایی، فلسفه، حکم قصاص، قرآن کریم، منابع تفسیری.

مقدمه

قصاص اصطلاحی فقهی و به معنای مجازات مجرم، به تناسب جرم است. همان طور که انسان در زمان های قدیم برای مجازات مجرمان حدی قائل نبود و ارتکاب جرم ناچیزی کافی بود تا در حق مجرم مجازات نامحدودی اعمال شود. در شرایع الهی و ادیان آسمانی، قانون قصاص وضع شد که به موجب آن مجازات مجرم متناسب با جرم انجام شده مقرر گردید. قصاص موجب بازدارندگی از وقوع جرم می شود، چرا که اگر کسی بداند در مقابل هر جرمی که مرتکب شود مقابله ای به مثل خواهد داشت، از ارتکاب جرم دوری می کند. اما در مقابل بسیاری دیگر نیز قصاص به مثل را نوعی مجازات بی رحمانه و سنتی می دانند که از دوران کهن بر جای مانده است. برخی شاهد می آورند که طی سالیان دراز در جوامعی که قصاص وجود داشته، جرائم نیز وجود داشته است. پس عاملیت بازدارندگی قصاص اشتباه است. هدف اصلی این تحقیق تبیین چرایی و فلسفه تشریح حکم قصاص و بقای این حکم در نظام حقوقی ایران به منظور داشتن جامعه ای سعادت محور می باشد. ضرورت اجرای قصاص به منظور حفظ حیات و امنیت جامعه، پیشگیری از جرم و رعایت تقوا و همچنین جلوگیری از آسیب های شدید و ناعادلانه و غیر انسانی زندان و اعدام قطعی که در بعضی جوامع جایگزین حق قصاص می کنند می شود؛ در نتیجه برای داشتن جامعه ای سعادت محور می باشد.

در مورد موضوع انتخاب شده تحقیقاتی به صورت پراکنده نگارش یافته است از جمله در کتاب: کت القصاص للفقها و الخواص، تالیف: آیت الله حاج آقا رضا مدنی کاشانی، ۱۴۰۴ ق، در این کتاب موضوع قصاص و فروع آن از دیدگاه فقهی مورد بحث قرار گرفته است. در مقاله: قصاص در قرآن کریم، نگارنده: روح الله ملکیان، ۱۳۸۹، در این مقاله سعی شده است با تکیه بر شواهد قرآنی و تحلیل کلمه قصاص و کلمات مرتبط با آن به درک متفاوتی از آیات قصاص دست یابد و در مقاله: چرایی و فلسفه تشریح حکم قصاص از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، نگارنده: ابراهیم جوانمرد فرخانی، ۱۴۰۱، نتایج این تحقیق نشان می دهد که هدف و فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام رفع فساد و پاک شدن جامعه از آلودگی هایی است که حیات و زندگی اجتماعی را تهدید می کند. در پایان نامه: سقوط قصاص در نظام حقوقی اسلام و ایران، نویسنده: حسن میر حسینی، ۱۳۸۴، در نگارش این مقاله، ابتدا به مبانی و زمینه های فقهی موضوع سپس مبانی حقوقی و عقاید علمای حقوق را مورد بررسی قرار داده است. و در پایان نامه: بررسی و تحلیل قصد مجرمانه در جرایم منجر به قصاص در فقه شیعه و حقوق کیفری ایران، نویسنده: مهران رحمانی آبرزگه، ۱۳۹۱، در این مقاله پس از بحث کلیات و مفهوم شناسی و تعاریف لغوی و اصطلاحی برخی از واژگان مربوط به موضوع، سعی بر آن شده است که مقصد مجرمانه در فقه شیعه و حقوق کیفری ایران مورد بررسی قرار بگیرد و در انتها بیان می دارم که وجه امتیاز این مقاله این است که پس از بررسی مفهوم قصاص و جزا به چرایی و فلسفه تشریح حکم قصاص و تاثیر آن در جامعه در قرآن کریم و منابع تفسیری معاصر پرداخته شود.

۱- مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به بحث‌های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آن‌ها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

۱-۱- قصاص

قصاص، از ماده «قص» به معنای جستجو و پی‌گیری از آثار چیزی است و هر امری که پشت سر هم آید عرب آن را «قصه» می‌گوید و از آنجا که قصاص، قتلی است که پشت سر قتل دیگری قرار می‌گیرد این واژه در مورد آن به کار رفته است.^۱

قصاص در فرهنگ لغت فارسی به معنای کشنده کسی را کشتن آمده است.^۲ و همچنین در فرهنگ معین به معنای مجازات و کیفر همسنگ می‌باشد.^۳ در لغت عرب قصاص به معنای پیگیری نمودن اثر چیزی بیان شده است.^۴

قصاص در اصطلاح فقه به معنای پیگیری نمودن اثر جنایت است به گونه‌ای که قصاص‌کننده همان جنایتی که جانی بر او وارد ساخته را بر خود او وارد نماید.^۵ قصاص در اصطلاح حقوقی به معنای تالی و استیفای عینی جنایتی که در قتل عمدی و قطع عضو و جرح عمدی بر مجنی علیه وارد شده است می‌باشد به شکلی که اثر بجای مانده از جنایت عیناً روی جانی اجرا شده و به دست می‌آید.^۶

^۱ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۰۴، ۱۳۰۵.

^۲ دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۵۹ ش.

^۳ معین، محمد، فرهنگ معین، ۱۳۹۰ ش.

^۴ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۹۰.

^۵ نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۷، ۴۲، ۱۳۹۳ ش.

^۶ ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات کیفری، ص ۲۲۳، ۱۳۸۲ ش.

۱-۲-جزا

جزا در لغت فارسی به معنای مکافات و پاداش است.^۱ و در لغت نامه دهخدا به معنای مکافات خواه در خیر باشد یا در شر باشد.^۲ و جزا در لغت عرب به معنای کیفر و پاداش می باشد. جزا در اصطلاح فقه به معنای کیفر سیئات و اعمال قبیح انسان می باشد و جزا بر دو قسم است:

الف. جزای اخروی که عبارت است از انواع عذاب در جهان واپسین که خدای متعال از آن خبر داده است و دامنگیر کفار، مشرکان و منافقان می شود.

ب. جزای دنیوی عبارت است از کیفر هایی که خداوند در این جهان برای بزهکاران مقرر کرده است. موضوع سخن در این نوشتار جزای دنیوی است.

جزا در اصطلاح حقوق معنای اصلی آن مجازات است هر چند به معنای پاداش نیز به کار رفته است و مجازات در اصطلاح حقوق واکنش اجتماعی رسمی است که قانونگذار آن را در قبال ارتکاب یک رفتار وضع کرده و توسط محاکم رسمی بر مرتکبین دارای مسئولیت کیفری اعمال می شود.^۳

۲-چستی و چرای قصاص

قصاص هر چند که در زبان عربی به معنای قطع کردن و بریدن چیزی^۴ و نیز به معنای پیگیری و دنبال نمودن آثار چیزی است^۵ ولی مقصود از آن در فرهنگ و فقه قرآنی و اسلامی به معنای استیفای حقوق از سوی مجنی علیه یا اولیای اوست. به این معنا که اگر جنایتی از ضرب و جرح و قتل بر شخصی وارد شده باشد، قصاص کننده از جانی تبعیت کرده و اثری همانند او ایجاد می کند.^۶

قصاص چه در قتل و یا در اعضای شخص جانی از سوی جنایت شده یا اولیای دم، در صورتی است که ارتکاب جنایت در این دو موضوع از روی عمد باشد.^۷ بنابر این در صورتی که غیر عمد باشد قصاص مجاز نمی باشد بلکه دیه پرداخت می شود.

^۱ معین، محمد، فرهنگ معین، ۱۳۹۰ ش.

^۲ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ۱۳۵۹ ش.

^۳ مصطفی پور، ج ۳، ص ۵-۷، ۱۳۹۵ ش.

^۴ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۹۰.

^۵ راغب اصفهانی، محمد، المفردات الفاظ القرآن الکریم، ص ۶۷۱.

^۶ همان.

^۷ خمینی، روح الله، تحریر الوسيله، ج ۲، ص ۵۰۸-۵۴۰.

درباره چرایی تشریح، این قانون، آیات چندی در بیان فلسفه و اهداف تشریح آن آمده است که از جمله می‌توان به آیه ۳۳ سوره اسراء اشاره کرد که در آن قصاص قاتل عامد را قانونی تشریح شده در راستای حمایت از مظلوم بیان می‌کند.

خداوند در آیه ۱۷۹ سوره بقره همچنین دو مساله دیگر را به عنوان عاملی در تشریح قانون قصاص مطرح می‌کند. در این آیه آمده است که تشریح حکم قصاص در حقیقت در راستای ایجاد بستری برای تقوای خردمندان و پرهیز ایشان از ارتکاب پلشتی و پلیدی چون قتل و جنایت است؛ زیرا هنگامی که انسان خردمند درمی‌یابد که هر قتل عمدی، موجب قتل خود وی به عنوان جزا و مکافات عمل وی خواهد شد، از ارتکاب چنین پلشتی و پلیدی خودداری می‌کند که از آن به تقوا تعبیر می‌شود؛ زیرا یکی از کاربردهای اصلی تقوا در فرهنگ قرآنی، پرهیز و اجتناب از بزه‌های عقلانی و عقلایی است.

از دیگر پاسخ‌های قرآن در برابر پرسش چرایی تشریح قانون قصاص اینکه تشریح حکم قصاص به منظور رعایت عدالت، انصاف و خودداری از زیاده روی و اسراف در خونخواهی است؛ زیرا خشم و غضب اولیای دم در صورت عدم پاسخگویی درست و مناسب به موضوع می‌تواند آنان را جریحه‌دار کند و قتل‌های قبیله ای و جنگ‌های خونین براه اندازد. قصاص در حقیقت پاسخگویی مناسب برای تعدیل این خشم می‌باشد.^۱

۳- فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام و قرآن

قصاص یکی از احکام کیفری در اسلام است که قرآن آن را مایه حیات جامعه می‌داند. تشریح حکم قصاص برای جلوگیری از انتقام‌های کور و دور از عدالت، همچنین برای جلوگیری از جرأت یافتن جنایت کاران در قتل یا ضرب و جرح شهروندان، وضع شده است. حیات اجتماعی سالم در گرو وجود امنیت و آسایش عمومی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل است و آسایش عمومی، در گرو حفظ اصول و ارکان یک حیات اجتماعی است. و حکم قصاص برای محافظت رکن مهم جامعه، یعنی جان افراد، در برابر جنایت کاران وضع شده است. یکی از موارد حقوق کیفری در اسلام، قصاص است. قصاص در لغت به معنای پی‌گیری نمودن اثر چیزی است.^۲ و در اصطلاح، «والمراد به هنا استیفاء اثر الجنایة من قتل أو قطع أو ضرب أو جرح، فکأن المتقصد یتبع أثر الجانی، فیفعل مثله»؛ «پی‌گیری نمودن و دنبال نمودن اثر جنایت است به گونه‌ای که قصاص کننده همان جنایتی که جانی بر او وارده ساخته است بر خود او وارد نماید.»^۳

^۱ بقره، ۱۷۹.

^۲ ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۹۰.

^۳ نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۴۲، ص ۷.

قصاص قانونی بسیار پیشرو و انسانی، چه در زمان ابلاغ آن، و چه در زمان ما است. در کتاب تفسیر نمونه، نویسنده در ذیل آیه ۱۷۹ بقره که فلسفه قصاص را بیان می نماید، می نویسد: «عادت عرب جاهلی بر این بود که اگر کسی از قبیله آنها کشته می شد تصمیم می گرفتند تا آنجا که قدرت دارند از قبیله قاتل بکشند، و این فکر تا آنجا پیش رفته بود که حاضر بودند به خاطر کشته شدن یک فرد تمام طائفه قاتل را نابود کنند آیه فوق نازل شد و حکم عادلانه قصاص را بیان کرد.»^۱

این وضع به شکلی فزاینده ای موجب درگیری های کینه ورزانه و طولانی می شد. اما اسلام قانون قصاص را به جای انتقام کور فرستاد. اسلام از یک سو، آن را از رفتاری بی محاکمه، به حوزه قاضی و قضاوت کشاند و از این طریق آن را از رفتاری غیر حقوقی به عملی تبدیل کرد که برای شناخت جرم، مجرم و میزان جرم، نخست می بایست دادگاهی تشکیل شود تا هر نوع جزایی بر حسب آن و با عدالت صورت گیرد، و از سویی دیگر آن را از صورت انتقام خارج ساخت و به قصاص بدل ساخت. و به وضع حقوقی نابسامانی که جوامع آن زمان گرفتارش بودند پایان داد. کشتن چند برابر از دیگران در مقابل خون شخصی که به قتل رسیده بود، نوعی انتقام بود و آن هم از نوع کور که حتی محدود به قاتل و مجرم و خانواده ایشان نمی شد، در حالی که قرآن فرمود: «وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ»؛ «و بر آنها در آن مقرر داشتیم که جان در مقابل جان و چشم در مقابل چشم و بینی در برابر بینی و گوش در مقابل گوش و دندان در برابر دندان می باشد و هر زخمی قصاص دارد و اگر کسی آن را ببخشد کفاره او محسوب می شود و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند ستمگر است.»^۲

اگر شخصی از شما کشته شد، می بایست متقابلاً یک نفر که مجرم و مقصر در مورد آن بوده، قصاص شود و اگر خانواده مقتول رضایت دادند، تنها به گرفتن دیه یا حتی بخشش رضایت داده شود. حتی اینک نیز هیچ جایگزین بهتری برای قصاص، به طوری که خانواده بازماندگان را راضی کند، پیدا نشده است؛ آن گونه که مجرم نیز به اندازه کافی مجازات شود تا درس عبرتی هم برای او، و هم دیگران باشد تا به سادگی به آدم کشی روی نیاورند و با کشتن دیگران و کشیدن تنها چند سال حبس دوباره آزادانه بگردد و مردم را نیز در معرض خطر قرار دهد. همان طور که اسلام در هر مورد مسائل را با واقع بینی و بررسی همه جانبه دنبال می کند، در مسئله خون بی گناهان نیز حق مطلب را دور از هر گونه تندروی و کند روی بیان داشته است، نه همچون آئین تحریف شده یهود فقط

^۱ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۰۳، ۱۳۷۴.

^۲ مانده، ۴۵.

تکیه بر قصاص می کند و نه مانند مسیحیت کنونی فقط راه عفو یا دیه را به پیروان خود توصیه می نماید، چرا که دومی مایه جرئت است و اولی عامل خشونت و انتقام جویی^۱

مهم ترین دلیل وضع حکم قصاص در قرآن حفظ حیات جامعه دانسته شده است. خداوند متعال در این آیه که به «آیه قصاص» معروف است؛ می فرماید: «و لکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب لعلکم تتقون»؛ «و برای شما در قصاص حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد، تا شما تقوی پیشه کنید.»^۲ این آیه با یک عبارت کوتاه و بسیار پر معنا، پاسخ بسیاری از سؤالات را در زمینه مساله قصاص بازگو می کند. این آیه که از ده کلمه ترکیب شده، و در نهایت فصاحت و بلاغت است، به خوبی نشان می دهد که قصاص اسلامی به هیچ وجه جنبه انتقام جویی ندارد بلکه دریچه ای است به سوی حیات و زندگی انسان ها است.^۳

از یک سو ضامن حیات جامعه است، زیرا اگر حکم قصاص وجود نداشت و افراد سنگدل احساس امنیت می کردند جان مردم بی گناه به خطر می افتاد همانگونه که در کشورهایی که حکم قصاص به کلی لغو شده آمار قتل و جنایت به سرعت بالا رفته است. و از سوی دیگر مایه حیات قاتل است چرا که او را از فکر آدم کشی تا حد زیادی باز می دارد و کنترل می کند. و از سوی سوم به خاطر لزوم تساوی و برابری، جلو قتل های پی در پی را می گیرد و به سنت های جاهلی که گاه یک قتل مایه چند قتل و آن نیز به نوبه خود مایه قتل های بیشتری می شد پایان می دهد، و از این راه نیز مایه حیات جامعه است. و با توجه به اینکه حکم قصاص مشروط به عدم عفو است دریچه دیگری نیز به حیات و زندگی گشوده می شود.^۴

یعنی هدف از قصاص اعدام نیست، هدف زندگی و حیات است؛ هدف ترمیم دوباره امور و بازگرداندن فرد یا جامعه به وضعیت عادی است. اگر کسی بدون دلیل و مستقل از اندام های رسمی جامعه اقدام به قتل نفس کند، حیات اجتماعی به مخاطره می افتد و قصاص برای تضمین حیات اجتماعی و فردی است. گاهی افرادی به حکم قصاص اشکال می گیرند. آنها می گویند قصاص باعث می شود یک نفر دیگر نیز جاننش را از دست بدهد، حال آن که رأفت و رحمت بر انسانیت اقتضا می کند جانی قصاص نشود.

«در پاسخ می گوئیم بله و لکن هر رأفت و رحمتی پسندیده و صلاح نیست و هر ترحمی فضیلت شمرده نمی شود، چون بکار بردن رأفت و رحمت، در مورد جانی قسی القلب، (که کشتن مردم برایش چون آب خوردن است)، و نیز ترحم بر نافرمانبر متخلف و قانون شکن که بر جان و مال و عرض مردم تجاوز می کند، ستمکاری بر افراد

^۱ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۰۷.

^۲ بقره، ۱۷۹.

^۳ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۳۳، ۱۳۶۰.

^۴ حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۵۸، ۱۱۱۲ ق.

صالح است و اگر بخواهیم به طور مطلق و بدون هیچ ملاحظه و قید و شرطی، رحمت را بکار ببندیم، اختلال نظام لازم می آید و انسانیت در پرتگاه هلاکت قرار گرفته، فضائل انسانی تباه می شود.^۱

شهید مطهری در ذیل آیه چنین می گوید: «کشتن اینچنین را، کشتن و اماته و میراندن تلقی نکنید، این را حیات و زندگی تلقی کنید، ولی نه حیات این فرد، حیات جمع یعنی با قصاص یک نفر متجاوز، حیات جامعه و حیات افراد دیگر را حفظ کرده اید.

شما اگر جلو قاتل را نگیرید، فردا او یک نفر دیگر را خواهد کشت، و فردا دهها نفر دیگر پیدا می شوند و دهها نفر دیگر را خواهند کشت. پس این را کم شدن افراد جامعه تلقی نکنید، حفظ بقای جامعه تلقی کنید؛ این را میراندن تلقی نکنید، زندگی تلقی کنید؛ یعنی قصاص معنایش دشمنی کردن با انسان نیست، دوستی کردن با انسان است.»^۲

بنابراین اگر انسان به مراتبی از تکامل اخلاقی رسید که قصاص یعنی ترمیم امور و تأمین حیات فردی و جمعی به روشی دیگر و جایگزین حذف فیزیکی میسر بود مرجح نیز خواهد بود؛ زیرا هدف اعدام نیست؛ هدف حیات است و خداوند نسبت به همه بندگان و مخلوقات رحمة للعالمین است. از همین رو آیه شریفه، مغز انسانها و خردمندان را مورد خطاب قرار می دهد، نه احساس و عواطف آنها را، و می فرماید: «در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد».

حیات اجتماعی سالم در گرو وجود امنیت و آسایش عمومی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل است و آسایش عمومی، در گرو حفظ اصول و ارکان یک حیات اجتماعی است. در یک نگاه استقرایی و بدون تأکید بر حصر، عناصر اصلی یک حیات اجتماعی عبارت اند از: دین، جان، مال، احترام و شخصیت انسان (ناموس یا نسل) و خرد و عقل انسان ها. این اصول که از زمان غزالی به این طرف مورد توجه علما و فقهای اسلامی قرار گرفته است، در واقع زیر بنای یک جامعه سالم را تشکیل می دهند و با اجزا و زیر مجموعه هایی که دارد، می تواند کلیه مصالح معتبر و مهم جامعه را زیر پوشش قرار دهد.^۳

بنابراین می توان گفت یکی از اهداف حقوق کیفری اسلام و چه بسا مهم ترین هدف آن حفظ نظام اجتماعی و دینی است و این هدف بلند تأمین نمی شود، مگر این که انسان ها از طریق اصلاح و تربیت یا از راه ترس از مجازات، از ارتکاب اعمالی که ارکان نظام اجتماعی را خدشه دار می کند باز داشته شوند.

^۱ طباطبایی، محمد حسین، تفسیرالمیزان، ج ۱، ص ۶۶۵.

^۲ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۷۴۹.

^۳ خسروشاهی، قدرت الله، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، ص ۱۹۸، ۱۳۸۰.

۴- احکام قصاص

قصاص، از حقوق تشریحی اولیای دم است.^۱ اولیای دم تنها در صورتی مجاز به قصاص و قتل قاتل می‌باشند که قاتل به عمد مرتکب جنایت شده باشد.^۲

در آداب اجرایی قصاص آمده است که ولی دم مقتول نمی‌تواند از قانون قصاص تعدی کند و رفتاری بیرون از تشریح انجام دهد.^۳ بر قاتل است که خود را به نظام تسلیم نماید و در چارچوب قانون، قصاص را بپذیرد و از آن سر باز نزند.^۴

۵- فلسفه تشریح حکم قصاص

از منظر اسلام حیات به عنوان یکی از آثار رحمت الهی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. تشریح حکم قصاص و بیان شرایط آن در قرآن کریم و ضرورت اجرای آن در حقوق کیفری اسلام، نشانگر اهتمام و عنایتی است که برای حفظ تمامیت جسمی و زندگی انسان‌ها قائل است. فلسفه اصلی تشریح این حکم، برپایی عدالت کیفری در جامعه است (قصاص دریچه‌ای به سوی زندگی) واقعی است.

۵-۱- کلام خداوند

چنان که فرمود: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۵؛ و برای شما در قصاص حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! تا شما تقوا پیشه کنید».

آیه شریفه که از ده کلمه ترکیب یافته، در نهایت فصاحت و بلاغت است و بیانگر یک قانون قرآنی است. قانونی که ضامن حیات و پاسدار زندگی است.

۵-۲- قصاص ضامن حیات جامعه و قاتل

قصاص از یک سو ضامن حیات جامعه است؛ زیرا اگر حکم قصاص وجود نداشته باشد و افراد شرور احساس امنیت کنند، نظم و امنیت اجتماعی به هم خورده و جان انسان‌های بی‌گناه در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

^۱ بقره، ۱۷۸؛ نساء، ۳۳.

^۲ همان؛ مائده، ۳۲-۴۵؛ انعام، ۱۵۱.

^۳ بقره، ۱۷۸-۱۹۴.

^۴ بقره، ۱۷۸.

^۵ بقره، ۱۷۹.

از سوی دیگر، ضامن حیات قاتل است؛ زیرا جنبه بازدارندگی دارد و یادآوری عواقب خطرناک قتل، تا حدودی او را از فکر خیانت و انسان‌گشی باز می‌دارد. اضافه بر این، توصیه اسلام مبنی بر رعایت اعتدال و برابری در قصاص مهم‌ترین عامل جلوگیری از گسترش انتقام و مبارزه با سنت‌های جاهلی به شمار می‌رود که به این ترتیب نیز مایه حیات جامعه است.

چه اینکه در گذشته گاه یک قتل موجب چندین قتل می‌شد، روحیه انتقام‌گیری در عصر جاهلیت حد و معیاری نداشت. اسلام به این شیوه نادرست پایان داد و پدیده قتل و قصاص را قانونمند ساخت. جمله «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» در ذیل آیه شریفه قصاص در واقع هشدار است برای پرهیز از هرگونه تعدی و تجاوز که حکم حکیمانه قصاص در اسلام را به صورت احسن تکمیل می‌کند.^۱

۶- چرایی تشریح قصاص و آثار آن در جامعه

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «كُلَّمَا فِي الْقِصَاصِ حَيَاءٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» «برای شما در قصاص حیات و زندگی است ای صاحبان خرد شاید شما تقوا پیشه کنید.»^۲

با توجه به آیه مذکور و آیات و روایات دیگر می‌توان تا حدودی فلسفه تشریح قصاص و آثار آن در جامعه را بیان نمود. لذا طی چند مبحث آن را ذکر می‌کنیم.

۶-۱- بازداری از قتل

بی‌گمان قصاص عاملی مهم در بازداری مردم از ارتکاب جنایت به ویژه قتل عمد می‌باشد؛ زیرا آگاهی از کیفر برابر موجب می‌شود تا انسان خردمند و عاقل به دست خود خویشتن را به هلاکت نیافکند و زمینه قطع اعضای خویش را فراهم نیاورد. از این روست که در اجرای قصاص، علنی بودن و علی‌روس الشهادت، تشریح شده است تا خرمندان با دیدن مجازات و کیفر ارتکاب جنایات بدانند که هرگونه ارتکاب عمل جنایی می‌تواند این‌گونه قصاص را به همراه داشته باشد. بنابراین بازدارندگی یکی از مهم‌ترین علل تشریح حکم قصاص می‌باشد که در این آیه به صراحت بیان شده است.^۳

^۱ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۰۳.

^۲ بقره، ۱۷۹.

^۳ مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۰۳، ۱۳۸۹ ش.

۶-۲-تقوا

دست یابی به مرتبه یا مراتبی از تقوا از دیگر علل و اهداف تشریح قانون قصاص می باشد که در آیه بیان شده است. البته می تواند این تقوا به معنای تقوای مطلق و اصطلاحی باشد چنان که می تواند به معنای همان تقوای لغوی باشد. به این معنا که تشریح قصاص زمینه ای برای تقوای خردمندان فراهم می آورد و آنان را نسبت به علل و اهداف احکام و آموزه های دستوری خداوند آگاه می سازد. بنابراین، به نوای خداوند به دیده مصلحت و منفعتی می نگرد که در متعلقات احکام وجود دارد. البته به نظر می رسد که تقوای از زشتی ها و پرهیز و اجتناب از پلیدی های عقلانی و عقلایی مراد و منظور از تقوا در آیه است. به این معنا که هدف از تشریح قانون قصاص، هوشیار باشی به خردمندان و عاقلان جامعه است که مواظب اعمال و رفتار خویش باشند و از ارتکاب بزه ها و ناپهنجاری جنایی پرهیز کنند تا گرفتار قصاص نگردند.

۶-۳-قانونی برای حیات جامعه

قصاص یکی از قوانین اسلامی است که همانند جهاد مباحث بسیاری را درباره و پیرامون آن برانگیخته و شبهات چندی پیرامون تشریح آن ایجاد کرده است. بی گمان بسیاری از شبهات و پرسش هایی که در این باره مطرح شده و می شود، برخاسته از نگاه بسته و عدم آگاهی از فلسفه و اهداف تشریح آن می باشد؛ زیرا قوانین اسلامی را می بایست در یک مجموعه و شبکه کامل دید و به طور طبیعی نگاه تجزیه گرایانه، این شبهات را برمی انگیزد. هر یک از قوانین اسلامی، مکمل قانون دیگری است؛ چنان که در خصوص قصاص تشریح عفو از قصاص به معنای احسانی بزرگ مطرح می باشد و شخص را در مقام محسنین قرار می دهد که یکی از مراتب تقرب به خدا از دیدگاه قرآن است.

خداوند در این آیه به صراحت قصاص را مهم ترین عامل حیات جامعه می شمارد و با مخاطب قرار دادن خردمندان و عقلای جامعه در چرایی تشریح این حکم می فرماید که جامعه با قصاص حیات می یابد؛ زیرا اگر غده سرطانی قتل عمد به جراحی قصاص قطع و بریده نشود و از جامعه کنده نگردد، می تواند همه جامعه را آلوده کند و مرگ و نیستی را برای آن جامعه رقم بزند؛ زیرا امنیت جان و عرض و مال، از مهم ترین علل پایداری و ایجاد جوامع بشری است و اگر این عنصر و فلسفه ایجاد جامعه به سبب قتل های عمدی از میان برود و یا افراد جامعه برای مجازات قائل به جان هم بیافتند، دیگر جامعه ای بر جا نخواهد ماند و فلسفه ایجاد جامعه از میان می رود. از این روست که خداوند حیات جامعه را به قصاص و اجرای آن منهوط دانسته است. خداوند در آیه ۳۳ سوره اسراء از زیاده روی و افراط در قصاص بازداشته و نهی نموده است. این می تواند به چند معنا باشد که از جمله نهی از شدت عمل در کیفر و پا نهی از مجازات دیگران از بستگان قاتل و حتی نسبت به خود قاتل به هر شکلی مانند اهانت باشد. از این روست که امام علی (علیه السلام) از حسنین (علیه السلام) می خواهد تا نسبت به ابن ملجم

مدارا کرده و جز قصاص چنان که عدالت اقتضا می کند عمل نکنند و حتی طعام و شیر خویش را برای قاتل خویش می فرستند تا از هر گونه اهانت نسبت به او جلوگیری به عمل آورد.^۱ خداوند در همین آیه تبیین می کند که در صورت خودداری اولیای دم از زیاده روی و اسراف در قصاص، خداوند به اشکال دیگری به یاری ولی مقتول می شتابد و زمینه های برآوردن حاجات و نیازهایش را فراهم می آورد. به هر حال، اجرای قصاص به شکل گفته شده و مبانی و آداب اسلامی نه تنها موجب بحران اجتماعی نمی شود بلکه عامل حیات اجتماعی و سرزندگی و شادابی جامعه است و در نقش بازدارنده از ارتکاب گناه و جرم عمل می کنند.^۲

^۱ نهج البلاغه، نامه ۴۷..

^۲ مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۰۴.

نتیجه گیری

در این مقاله می توان نتیجه گرفت که اجرای حکم قصاص ضرورت دارد و ضرورت آن از این حیث است که موجب باز داری از قتل و رعایت تقوا و حیات و امنیت جامعه می شود و این که مخالفان حکم قصاص درباره این حکم می گویند که حکمی بی رحمانه است. و همچنین بازدارندگی آن از قتل را زیر سؤال می برند سخن گزافی است؛ زیرا بیان کردیم که حکم قصاص از ابتدای تشریح آن، از سوی اسلام جهت جلوگیری از انتقام جویی ها بوده است. احکام اسلام نیز بیشترین میزان کرامت را برای انسان ها در نظر گرفته است و برای اجرای قصاص نیز شرایط بسیار سختی را قائل شده است و این طور نیست که بشود به سادگی کسی را قصاص کرد و همچنین در این تحقیق سعی بر این بود تا از قصاص دفاع عقلی و عقلایی صورت گیرد.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، نشر: دار الحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
- ۲- ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات کیفری، نشر: آریان، تهران، ۱۳۸۲.
- ۳- حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، نشر: دارالتفسیر، چاپ: دوم، ۱۳۸۳.
- ۴- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، نشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ: دوم، ۱۳۸۷.
- ۵- خسروشاهی، قدرت الله، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، نشر: موسسه بوستان کتاب، چاپ: اول، ۱۳۸۰.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، نشر: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- ۷- راغب اصفهانی، محمد، المفردات الفاظ القرآن الکریم، نشر: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
- ۸- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱، نشر: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱.
- ۹- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۲، نشر: صدرا، چاپ: چهارم، ۱۳۸۷.
- ۱۰- مصطفی پور، علی، ج ۳، کیفر تبعید در عصر ارتباطات، نشر: حماسه سخن، چاپ: اول، ۱۳۹۵ ش.
- ۱۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، نشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ: سی و دو، ۱۳۰۵.
- ۱۲- معین، محمد، فرهنگ لغت معین، نشر: امیر کبیر، تهران، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۳- نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، مترجم: عباس قوچانی، نشر: دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۳.